

ساخت عادت‌واره اقتصادی در میدان روستایی؛ مطالعه موردی مناطق روستایی شهرستان گیلانغرب* یونس اکبری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر درصدد کشف ساختار عادت‌واره اقتصادی در میدان روستایی است، تا با رویکرد بوردیوی نگاهی واقع‌بینانه به نحوه عمل روستاییان در عرصه تصمیم‌گیری اقتصادی بیندازد. روش تحقیق در این مطالعه قوم‌نگاری است و برای جمع‌آوری داده‌ها از مشاهده مشارکتی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بهره گرفته شده است. حجم نمونه شامل ۲۳ مشارکت‌کننده است که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند در مناطق روستایی شهرستان گیلانغرب انتخاب و مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای جهت‌دار تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی دارای عادت‌واره غیراقتصادی هستند، چراکه این افراد در موقعیت کنونی خود، داشتن راحتی و آسایش را ترجیح می‌دهند تا درآمد زیادتر به شرط زحمت و تلاش بیشتر. ترجیحات شغلی افراد این جایگاه اجتماعی، کشاورزی و کار بوروکراتیک است، تا بدین وسیله بتوانند از یک سو با کار و تلاش کمتر درآمد بیشتر و از سوی دیگر زمان بیشتری نیز برای خوش‌گذرانی، استراحت و پرداختن به زندگی مصرف‌گرایانه داشته باشند. این در حالی است که افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای میدان روستایی، عادت‌واره اقتصادی تری به نسبت افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی دارند. این افراد برخلاف افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی، زندگی مصرف‌گرایانه کمتر و تلاش بیشتری برای پس‌انداز دارند و نیازهای مصرفی خود را برای کسب درآمد بیشتر به تعویق می‌اندازند. کار و فعالیت برای کسب درآمد بیشتر در اولویت این افراد قرار دارد، حتی اگر این کار و شغل سبب شود وقتی برای فراغت و خوش‌گذرانی و پرداختن به زندگی مصرف‌گرایانه برای آن‌ها باقی نگذارد.

واژگان کلیدی: اقتصاد، جایگاه اجتماعی، عادت‌واره، میدان، روستا، گیلانغرب.

* مقاله علمی‌ژوهشی، مستخرج از رساله دکتری با عنوان «مناسبات منفعت درون میدانی با کردار اقتصادی در میدان‌های روستایی و عشایری شهرستان گیلانغرب: پژوهشی در جامعه‌شناسی منفعت»، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

۱ دکتری جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی-روستایی، تهران، ایران، younes.akbari1987@gmail.com

**Construction Of Economic Habitus In A Rural Field: Case Study Of
Rural Areas Of Gilan-e Gharb City***

Younes akbari¹

Received February 23, 2021

Accepted September 16, 2021

Abstract

The present study seeks to discover the structure of the economic habitus in a rural field in order to take a realistic look at how the villagers act in the field of economic decision-making. The research method used in this analysis is ethnography, and semi-structured and in-depth interviews have been used to collect data. The sample size includes 23 participants who have been selected in rural areas of Gilangharb city using purposive sampling. The interviews were analyzed using the directional content analysis method. The results show that the people with lower economic status of rural field have non-economic habitus because in their current situation, these people prefer the tendency to have comfort and convenience to a higher income with more effort and endeavor. The job preferences of the people of this social status are agriculture and bureaucratic work, so that with less effort, they will have more income and at the same time more leisure to have fun, relax and engage in a consumerist life. Meanwhile, the people with middle and upper economic status of the rural field have a more economical habitus than the people with lower economic status of the rural field. Unlike the people with lower economic status of the rural field, these people have less consumerist life and more effort to save, and postpone their consumption needs to earn more. Work and activity to earn more money is a priority for these people, even if it does not leave them time to relax and enjoy a consumerist life.

Keywords: Economy, Social Status, Habitus, Field, Village, Gilan-E Gharb.

* Scientific Research Article, Derived From Younes Akbari's Doctoral Dissertation Entitled Investigation On Relationship Between In-Field Interest With Economic Practice In Rural And Nomadic Fields Of Gilan-E- Gharb City: A Study On The Sociology Of Interest, Faculty Of Social Sciences, University Of Tehran

¹ Phd In Rural Social Development, Tehran, Iran, younes.akbari1987@gmail.com.

بیان مسئله

چرخش رفتاری در اقتصاد یکی از مهم‌ترین تحولات در تحقیقات علوم اجتماعی معاصر تلقی می‌شود و هژمونی نظریه اصلی جریان اقتصادی ۱ را در چند مسیر به چالش می‌کشد. نکته اساسی در این مکتب، تردید تجربی از عامل اقتصادی^۲ منطقی است، که با انحرافات سیستماتیک از فرض بهینه‌سازی رفتار در مورد مسائل پولی و مالی از نظریه‌های جریان اصلی اقتصاد نشان داده می‌شود (هیس، ۲۰۲۰: ۱۶). غالباً تحلیلی‌های جریان اصلی اقتصادی بر اساس انتزاع یک بُعد از اعمال انسان (اعمال اقتصادی) از نظم اجتماعی که در آن غوطه‌ور هستند، صورت می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، تحلیل‌های اقتصاد جریان اصلی از اعمال انسانی بر این فرض استوار هستند که افراد بر مبنای انتخاب عقلانی و شناخت منافع خود بهترین تصمیم را برای حداکثرسازی سود خود می‌گیرند (بورديو، ۲۰۰۵: ۱). در این تحلیل‌های انتزاعی، فرد انسانی به عنوان موجودی غیراجتماعی انتزاع شده است که عمل اقتصادی او ارتباط چندانی با سایر جنبه‌های اجتماعی او ندارد و چنین فرضی با واقعیت زندگی انسان اجتماعی مطابقت ندارد و در نتیجه سیاست‌گذاری بر مبنای چنین تحلیلی نتیجه مطلوب را به دست نخواهد داد. بورديو با خلق مفهوم عادت‌واره سعی بر آن داشت که از این انتزاع غیرواقعی در تحلیل اعمال انسان اجتناب کند و با مفهوم عادت‌واره، درهم‌تنیدگی عینیت و ذهنیت، ساختارهای اجتماعی و ساختمان فکری و یا ترکیب سوژگی و ابژگی را در فرد مورد توجه قرار دهد. چنین مفهومی ابزار تحلیلی ارائه می‌کند که از انتزاع غیرواقعی بینانه اقتصاد جریان اصلی مبرا است و می‌تواند به تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌های واقع‌بینانه منجر شود.

در دهه‌های گذشته به دلیل عدم توجه به مناطق روستایی و یا در پیش گرفتن برنامه‌های توسعه نامتوازن، نسبت قابل توجهی از جمعیت جوان مناطق روستایی کشور برای یافتن کار و شغل به سمت کانون‌های شهری مهاجرت کرده و به همین دلیل جمعیت روستایی کشور به سمت سالخوردگی سوق پیدا کرده است؛ این وضعیت به گونه‌ای است که طی مدت زمان سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵، شاغلان بخش کشاورزی حدود ۵,۷ سال مسن‌تر شده‌اند، در حالی که کل شاغلان تنها ۲,۲ سال مسن‌تر شده‌اند (تقدیسی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۹۱: ۱۳۳). تداوم وضعیت مذکور

1 Mainstream Economic Theory

2 Economic Agent

می‌تواند سبب تضعیف اقتصاد روستایی شود. به نظر می‌رسد برای فائق شدن بر مسئله فوق که ناشی از بیکاری، فقر و محرومیت در مناطق روستایی است، بایستی در سیاست‌گذاری توسعه‌ای کشور در زمینه توسعه روستایی تجدیدنظر اساسی صورت گیرد و این سیاست‌ها بر مبنای رفتار واقعی روستاییان در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی بازتعریف شود. به بیان دیگر، برنامه‌ریزی به منظور محرومیت‌زدایی بایستی مبنایی در زندگی واقعی افراد داشته باشد، که توأم با ارزش‌ها و فرهنگ و جایگاه‌های طبقاتی متفاوت آن‌ها در جامعه است نه بر مبنای انسان آزمایشگاهی فارغ از جایگاه طبقاتی و فرهنگ و ارزش. بر این اساس در این پژوهش سعی شده ساخت عادت‌واره اقتصادی در میدان روستایی که اعمال و کردار آن‌ها در موضوعات مختلف اقتصادی را هدایت می‌کند، کشف شود و بدین وسیله نگاهی واقع‌بینانه به نحوه عمل روستاییان در عرصه مسائل اقتصادی بیندازد. در واقع مسئله اصلی این پژوهش این است که بررسی کند عادت‌واره روستاییان چگونه ساختاریافته و در زمینه‌های مربوط به حوزه اقتصاد چگونه عمل می‌کند. در این راستا سؤالاتی بدین ترتیب مطرح می‌شوند: نحوه تصمیم‌گیری روستاییان در موضوعات اقتصادی به چه شکل است؟؛ این تصمیم‌گیری تابع چه عناصری تغییر می‌کند؟؛ آیا می‌توان تفکیکی بین روستاییان در نحوه تصمیم‌گیری درباره موضوعات اقتصادی قائل شد؟؛ مختصات عادت‌واره اقتصادی عاملان اجتماعی در میدان روستایی به چه شکل است؟

پیشینه پژوهش

با جستجو در منابع علمی داخلی مشخص شد که در رابطه با ساخت عادت‌واره اقتصادی میدان‌های مختلف زندگی اجتماعی تحقیقی صورت نگرفته است. با وجود این، از جمله نزدیک‌ترین پژوهش‌ها به موضوع تحقیق حاضر می‌توان به تحقیقات جانب‌اللهی (۱۳۹۱) با عنوان «زیست اقتصادی عشایر؛ مطالعه موردی عشایر هداوند»، قربانی و خضری (۱۳۹۱) «تأثیر عادت‌واره‌های اجتماعی در شکل‌گیری تشبیهات حسن غزنوی»، اسکندری (۱۳۹۳) «دانشگاه به مثابه میدان: مطالعه‌ای کیفی پیرامون روابط، گفتمان و دلالت‌های دانشگاه با رویکرد بوردیویستی»، گنجی و حیدریان (۱۳۹۳) «سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ: با تأکید بر نظریه‌های پی‌یر بوردیو و دیوید تراسبی»، نصرتی (۱۳۹۵) «سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ: با تأکید بر نظریه‌های پی‌یر بوردیو و دیوید تراسبی»، تجویدی و معاذاللهی (۱۳۹۵) «تأثیر تحولات میدان

نشر بر عادت‌واره مترجمان ادبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۵»، انوری و همکاران (۱۳۹۷) «تحلیل رابطه‌ی عاملیت کنشگر-ساختار با عادت‌واره بوردیو در فرهنگ کسب‌وکار دانش‌بنیان»، پژمانفر و همکاران (۱۳۹۷) «تحلیل بوردیویی میدان تولید ادبی شاهنامه و عادت‌واره فردوسی»، محمدی و محمدپناه (۱۳۹۷) «تحلیل کیفی شرایط، وضعیت و پیامدهای عادت‌واره آموزشی عاملان اجتماعی میدان تولید آموزش (مطالعه موردی معلمان دوره متوسطه دوم شهر مشهد)»، محمدی و همکاران (۱۳۹۷) «سیر نزولی عادت‌واره نهادی معلمان (مطالعه موردی معلمان دوره متوسطه دوم شهر مشهد)» و مقیمی اسفندیاری و معینی (۱۳۹۸) «واکوی جامعه‌شناختی چالش‌های بیرونی خلق ارزش اجتماعی رهبران کارآفرینی اجتماعی با رویکرد عادت‌واره بوردیو»، اشاره کرد. از جمله مطالعات خارجی انجام‌شده در رابطه با عادت‌واره اقتصادی نیز می‌توان به بوردیو^۱ (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «ساخت عادت‌واره اقتصادی: باز-ارزیابی کارگران الجزایری» اشاره کرد که در آن نشان می‌دهد ابتدایی‌ترین رفتارهای اقتصادی (کار کردن برای دستمزد، صرفه‌جویی، اعتبار، کنترل موالید و ...) تابع شرایط الزامی اقتصادی و اجتماعی‌ای هستند که هرودی نظریه‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی اقتصادی آن‌ها را نادیده گرفته‌اند. زلیزر نیز (۲۰۱۱) در کتابی با عنوان «زندگی‌های اقتصادی: چگونه فرهنگ به اقتصاد شکل می‌دهد»، این‌گونه استدلال می‌کند که به‌دوراز پاسخ‌های ساده به انگیزه‌ها و ترجیحات شخصی محدود، کنش‌های اقتصادی ظهور می‌یابند، پایدار می‌مانند و توسط روابط ما به دیگران تغییر شکل می‌دهند. فریس^۲ و منسون^۳ نیز (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «عادت‌واره حرفه‌ای و ساخت جنسیت: درباره‌ی روزنامه‌نگاران مرد برای مجلات ورزشی در فرانسه»، نشان می‌دهد که چهره‌های مردانه و زنانه رسانه‌ها عمدتاً به عادت‌واره‌های حرفه‌ای این روزنامه‌نگاران مرد وابسته هستند. همان‌گونه که از عنوان تحقیقات ذکرشده داخلی مشخص است، این تحقیقات با موضوع ساخت عادت‌واره اقتصادی ارتباط چندانی برقرار نمی‌کنند و می‌توان این ادعا را مطرح کرد که پژوهش حاضر اولین گام تجربی در حوزه مذکور در داخل کشور است. در مطالعات خارجی نیز تحقیقات اندکی با رویکرد عادت‌واره بوردیو در زمینه بررسی عادت‌واره اقتصادی انجام‌شده که حجم آن‌ها نیز به‌اندازه‌ای نیست که بتوان طبقه‌بندی خاصی از آن‌ها ارائه کرد.

1 Bourdieu

2 Fraysse

3 Mennesson

چارچوب مفهومی

در پژوهش حاضر که با رویکرد بوردیویی از میدان و عادت‌واره هدایت می‌شود، فضای زندگی روستایی به‌عنوان میدانی در نظر گرفته شده است که عاملان اجتماعی داخل آن‌ها برحسب اختلاف در اصول تفاوت‌گذار یا سرمایه‌ها، موضعی را در میدان روستایی اشغال کرده و با یکدیگر رقابت می‌کنند. بورديو بر این نظر است که تفاوت در موضع‌های اجتماعی، تفاوت در سلايق و عادت‌واره‌ها را به‌وجود می‌آورد و از رهگذر آن، تفاوت در موضع‌گیری‌ها شکل می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، به‌ازای هر سطح از موقعیت‌ها، سطحی از عادت‌واره‌ها (یا سلايق) وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به‌وجود می‌آید (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۷). هدف محقق از استفاده از تئوری میدان و عادت‌واره بورديو ساختن فضای اجتماعی در میدان روستایی است. با استفاده از ترسیم فضای اجتماعی در میدان روستایی، محقق به دنبال ساخت طبقات نظری در میدان‌ها است که رفتارها و خصایل افراد را برحسب دارایی‌هایشان دسته‌بندی می‌کند. دسته‌بندی بر اساس طبقات اجتماعی صرفاً در پی توصیف مجموعه‌ای از واقعیت‌های دسته‌بندی‌شده نیست، بلکه همچون طبقه‌بندی علوم طبیعی، به اوصاف تعیین‌کننده‌ای توسل می‌کند که، برخلاف طبقه‌بندی نامطلوب، اجازه پیش‌بینی سایر اوصاف را هم می‌دهد (به‌عنوان یک مورد خاص ممکن‌الوقوع) و عاملان اجتماعی را به‌نحوی جمع‌آوری و متمایز می‌کند که تا حد مقدور در میان طبقه خود مشابه و نسبت به طبقات دیگر، اعم از دور و نزدیک، متفاوت باشند (همان، ۱۸). آن‌گونه‌که بورديو بیان می‌کند، افراد نه بر اساس کنش آگاهانه صرف، بلکه بر اساس عادت‌واره‌های خود عمل می‌کنند که نوعی آگاهی عملی، نوعی آموختگی ضمنی، نوعی فراست، نوعی تربیت‌یافتگی اجتماعی از نوع ذوق است که به عامل اجتماعی این امکان را می‌دهد که روح قواعد، آداب، جهت‌ها، روندها، ارزش‌ها، روش‌ها و دیگر امور میدان خاص خود (میدان علمی، اقتصادی، ورزشی، هنری، سیاسی و ...) را دریابد، درون آن پذیرفته شود، جای بیفتد و منشأ اثر شود. درواقع عادت‌واره شخص، نوعی تربیت غیرمستقیم است که باعث می‌شود فضایل (یا رذایل) پذیرفته‌شده در یک جامعه، به سهولت، به‌صورت ملکه ذهن، بدون نیاز به تأمل و تکلف، از عاملان اجتماعی سر بزنند و به همین خاطر بورديو به‌جای واژه سوژه^۱ و کنشگر^۲ از

1 Subject

2 Acteur

واژه عامل^۱ استفاده می‌کند؛ زیرا به نظر او عوامل اجتماعی کسانی هستند که گماشته شده‌اند تا بر واقعیت اثر بگذارند تا واقعیت را خلق کنند؛ یعنی هم‌گزینشگر هستند و هم نیستند، بلکه عاملانی هستند که مأمور به این کنش‌ها هستند (همان: ۲۰). بوردیو مفهوم عادت‌واره را به‌طور خاص در تقابل با تمایل ساختارگرایان برای تقلیل کنش عاملان اجتماعی به یک سری رفتارهای مکانیکی عرضه کرده است، تا خاستگاه اعمال افراد را فراتر از محاسبات منطقی تعریف کند. به نظر بوردیو این مفهوم جنبه خلاق و فعال عاملان اجتماعی را که در انسان‌شناسی ساختارگرا نادیده گرفته شده است، احیا خواهد کرد. به عبارتی، بوردیو عادت‌واره را نظامی از منش‌های قابل انتقال و مانا می‌داند که در قالب ساختارهای برساخته و درعین‌حال سازنده به کنش‌هایی منجر می‌شوند که حاصل اطاعت محض از قوانین نیستند. چنین منش‌هایی از آن‌جهت که در میدان‌های متفاوت، اعمال مقتضی را شکل می‌دهند، قابل انتقال دانسته می‌شوند و از آن‌جاکه ممکن است در طول زندگی عامل اجتماعی همچنان ثابت بمانند، ثابت قلمداد می‌شوند (تجویدی و معاذالهی، ۱۳۹۵: ۸۵-۸۶).

به نظر بوردیو یکی از کارکردهای مفهوم عادت‌واره این است که از وحدت اسلوبی که اعمال و اموال یک عامل اجتماعی منفرد و یا یک طبقه از عاملان را یکسان می‌کند، خبر می‌دهد. عادت‌واره همان اصل تعمیم‌بخش، تکثیرگر و متحدکننده‌ای است که اوصاف الحاقی و مرتبط با یک موقعیت فرهنگی اقتصادی را به یک اسلوب وحدت‌گرای زندگی ترجمه می‌کند، اسلوبی که عبارت است از؛ مجموعه وحدت‌گرایی از انتخاب‌ها که اشخاص، افعال و اموال خاصی را بر موارد دیگر ترجیح می‌دهد. عادت‌واره‌ها هم مانند مواضع و موقعیت‌های اجتماعی که مولد آن عادت‌واره‌ها هستند، تفاوت یافته‌اند، اما اینان، علاوه‌براین، تفاوت‌گذار نیز هستند (همان، ۲۲). به‌طورکلی عادت‌واره که خود منبعث از جایگاه فرد در نظام اجتماعی است، نظامی از تمایلات، علایق، سلاقی و ارزش‌ها را نمایندگی می‌کند که در شخصیت عامل به‌وسیله تجربه و در تعامل با دیگران فراهم آمده که ضمن تعیین شیوه‌های زندگی، نحوه مواجهه او با موقعیت‌ها و موضوع‌های مختلف زندگی را جهت می‌بخشد و اعمال فرد را اداره می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲). با این تفاسیر عادت‌واره را می‌توان در موضوع‌ها و موقعیت‌های مختلف زندگی از جمله در جنبه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افراد موردبررسی قرار داد و در همین راستا

پژوهش حاضر سعی دارد که عادت‌واره عاملان میدان روستایی را در زمینه موضوعات اقتصادی مورد بررسی و فهم قرار دهد.

لازم به ذکر است که در این پژوهش برای تعیین اینکه چه اعمالی از افراد در میدان روستایی باید مورد سنجش قرار گیرد تا عادت‌واره اقتصادی آن‌ها مشخص شود، محقق تلاش کرده با عاریت گرفتن کار کلاسیک وبر در اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، جنبه‌ها یا اعمال اقتصادی را در زندگی اجتماعی استخراج کند. برای نیل به این هدف تلاش شده با برجسته‌سازی رفتارهای پیوریتین‌ها، رفتارهایی که سمت‌وسوی اقتصادی دارند و عمل‌کنندگان به آن‌ها در جهت انباشت سرمایه قدم برمی‌دارند، استخراج شود. این نوع از اعمال اقتصادی که محقق برای سنجش عادت‌واره اقتصادی عاملان اجتماعی در میدان روستایی برجسته کرده است، همان‌گونه که وبر در کتاب «اقتصاد و جامعه» بیان می‌کند، مانند مصادیقی چون «روحیه سرمایه‌داری»، «دیوان‌سالاری»، «کاریزما» و «عقلانیت»، با تشدید یک‌جانبه یا چند دیدگاه و با ترکیب پدیده‌های عینی منفرد ساخته شده است. سپس برحسب همان دیدگاه‌های تشدید شده، به صورت یک ساختار تحلیلی یکپارچه سامان می‌گیرد. در واقع این رفتارها که ابزار سنجش عادت‌واره اقتصادی روستاییان هستند، برای محقق هدف و نظریه راهنما نیستند، بلکه صرفاً یک ابزار تحلیلی هستند که از آن برای درک تعیین اینکه باید چه جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی برای شناخت عادت‌واره اقتصادی سنجیده شوند، به کار گرفته می‌شوند. بنابراین محقق پس از بررسی رفتار پیوریتین‌ها در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری به این نتیجه رسید که تلاش برای به دست آوردن ثروت و سود اقتصادی، نگاه مادی‌گرایانه به تقدیر و سرنوشت، سرمایه‌گذاری مجدد سود کسب‌شده، پرهیز از هرگونه اتلاف وقت به هر شکل آن، دوری از هرگونه هزینه بیش‌ازحد نیاز اولیه برای راحتی و انجام وظیفه شغلی به شکل دقیق و با تعهد زیاد، نشان‌دهنده عادت‌واره مقتصدانه است. به عبارتی پیروی از این شاخص‌ها در زندگی روزمره فرد را به سمت‌وسوی انباشت سرمایه و کسب سود اقتصادی رهنمود خواهد کرد و هر چه فرد درصد کمتری از این شاخص‌ها را با خود یدک بکشد، دارای عادت‌واره غیرمقتصدانه‌تری است. در واقع در این پژوهش برای سنجش مصادیق مرتبط با سنجش مفهوم عادت‌واره اقتصادی از پرسش‌های بازی در رابطه با روابط پولی و مالی، پس‌انداز، نیازها و علائق، نگاه به فعالیت و شغل، نگاه به تقدیر و سرنوشت، هنجارهای اقتصادی، گذران وقت و

نحوه هزینه‌کرد درآمد عاملان بهره گرفته شده و مضامین اصلی این پرسش‌ها به‌عنوان مفاهیم اصلی مورد بررسی در نظر گرفته شده و پاسخ‌ها در راستای اشتراک و تمایز با این مضامین اصلی تحلیل شده‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه قوم‌نگاری است و در طول فرایند تحقیق از مشاهده مشارکتی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (هم دلالت گرفته از نظریه‌ها و هم مستند به اذهان پاسخگویان) بهره گرفته شده است. در این پژوهش هرچند محقق داده‌های خود را از مصاحبه با عاملان اجتماعی به‌دست آورده، ولی برای ذکر نتایج تحقیق، گفتار این عاملان را به‌تنهایی به‌عنوان واقعیت اجتماعی در نظر نگرفته و سعی کرده که واقعیت را در بستر میدان‌های زندگی اجتماعی و تأثیر و تأثرات ساخت‌های زیربنایی آن درک کند؛ در نتیجه به گفتار این عاملان اجتماعی نه به‌عنوان تنها منشأ واقعیت موجود، بلکه به عوامل ساختاری زیرین این گفتارها که برای خود این عاملان نیز روشن و مشخص نیست استناد شده است و متنی جدید از دل مصاحبه‌ها استخراج شده که حاصل امتزاج افق پژوهشگر و پاسخگویان است. برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نیز از روش تحلیل محتوای جهت‌دار^۱ استفاده شده است. با به کار بردن این شیوه تحلیل، پژوهشگر مصاحبه‌ها را در راستای مفاهیم مستخرج از نظریه راهنما، طبقه‌بندی و رمزگذاری کرده است. در واقع در این تحلیل محتوا با به کار بردن نظریه‌ها و پژوهش‌های موجود، پژوهشگر کار تحقیق را با شناسایی متغیرها و مضامین اصلی آغاز کرده، ولی در طول فرایند تحقیق از نگاه خشک و متصلب به این مضامین پرهیز شده و در صورت نیاز و با اتکا به داده‌های مصاحبه‌ها تغییراتی در این مضامین داده شده است. در این رویکرد مفاهیم اصلی از پرسش‌های هدفمند مربوط به مقوله‌بندی‌های از پیش تعیین‌شده، نشئت می‌گیرند. به دنبال پرسش باز، محقق در تحلیل مصاحبه‌ها سعی داشته که به کشف وجوه اشتراک و تمایز مصاحبه‌شوندگان در رابطه با این پرسش باز پردازد. به عبارتی روند کدگذاری مصاحبه‌ها در این پژوهش در راستای قرار دادن مضامین پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان با مفاهیم اصلی مندرج در پرسش‌های باز بوده است. در این پژوهش با ۲۳ مشارکت‌کننده از میدان روستایی مصاحبه عمیق انجام شده است که ساختار مشارکت‌کنندگان تحقیق شامل ۱۸ مرد و ۵ زن که از این تعداد ۱۳ نفر متأهل، ۹ نفر مجرد و یک نفر بی‌همسر و دارای دامنه سنی ۲۲ تا ۷۷ سال

1 Directed Content Analysis

و طیف تحصیلی بی‌سواد تا کارشناسی‌ارشد بوده‌اند و از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. برای تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان نیز از قاعده اشباع نظری بهره گرفته شده است. در طول فرایند تحقیق و انجام مصاحبه‌ها سعی شده پس‌ازاینکه داده‌های جدیدی از عاملانی که برحسب مشابهت در وضعیت ساختاری (حجم و ترکیب سرمایه) که به مشابهت در عادت‌واره و اعمال و گفته‌های آنان منجر می‌شود، به‌دست نیامد، با عاملان جدید با مشابهت ساختاری با یکدیگر و اختلاف ساختاری با سایر عاملان اجتماعی مصاحبه شود. برای به‌دست آوردن داده‌های معتبر ایجاد اعتماد و آشنایی یکی از ملاک‌هایی بوده است که سعی شد در کل فرایند تحقیق لحاظ شود. برای افرادی که آشنایی با محقق نداشته‌اند سعی شد که فردی معتمد مشارکت‌کننده، واسطه برقراری ارتباط و مصاحبه شود. هرچند در طول فرایند مصاحبه نیز سعی شده که از سوالات دام برای اطمینان از صحت گفته‌های فرد بهره گرفته شود. به‌منظور تأمین اعتبار پژوهش از روش اعتبار اعضا^۱ استفاده شده است، یعنی در پایان، یافته‌های تحقیق با مصاحبه‌شونده‌ها به اشتراک گذاشته شد تا صحت و سقم یافته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان مورد ارزیابی قرار گیرد. لازم به ذکر است که مفاهیم مرتبط با اعمال اقتصادی عاملان اجتماعی میدان روستایی شامل ۸ مفهوم روابط پولی و مالی، پس‌انداز، نیازها و علایق، نگاه به کار و فعالیت و شغل، نگاه به تقدیر و سرنوشت، هنجارهای اقتصادی و گذران وقت هستند که در جدول شماره (۱) به برخی مصادیق مرتبط با آن‌ها در گزاره‌های پاسخگویان اشاره شده است.

جدول ۱. کدها، مفاهیم و مقوله اصلی

مقوله‌ها		مفاهیم اصلی
روستاییان دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای اقتصادی	روستاییان دارای وضعیت اقتصادی پایین	
کدهای باز	کدهای باز	
داشتن درآمد مکفی، پس‌انداز کردن درآمد، نگاه سرمایه‌گذارانه، پس‌انداز به‌عنوان ایجادکننده ثروت بیشتر	نداشتن درآمد کافی، ناممکن بودن پس‌انداز، اتلاف سرمایه اندک، پس‌انداز به‌عنوان پشتوانه‌ای برای آینده نامعلوم و نامطلوب	نگاه به پس‌انداز
قدرت چانه‌زنی بالا، تعیین قیمت محصول توسط بازار، فروش محصول در زمان مناسب، استفاده از چک و سفته برای معاملات	قدرت چانه‌زنی پایین، انحصار تعیین قیمت برای محصول توسط دولت، نیاز مداوم به پول نقد، فروش محصول از سر اضطرار، استفاده از چک و سفته برای معاملات	روابط پولی و مالی

ادامه جدول ۱. کدها، مفاهیم و مقوله اصلی

مقوله‌ها		مفاهیم اصلی
روستاییان دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای اقتصادی	روستاییان دارای وضعیت اقتصادی پایین	
کدهای باز	کدهای باز	
تأکید بر فعالیت و تلاش برای کسب موفقیت، تصور آینده بهتر از امروز، تصور وضعیت شغلی و مالی بهتر برای خود، دارای ایده‌ها و بلندپروازی‌های خاص	ادامه راه پدران، تغییرات ناچیز در زندگی، نداشتن انتظارات و توقعات بزرگ از آینده، تصویری تیره‌وتار نسبت به آینده	نگاه به تقدیر و سرنوشت
قیح اجتماعی برای شغل‌های مربوط به دام‌پروری، معتبر دانستن شغل کشاورزی، توجه به درآمدزا بودن شغل، اشتغال به کارهای تمام‌وقت، اشتغال فنی و آزاد برای افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط، اهمیت پرستیژ و اعتبار شغل و تمایل به اشتغال در بخش بوروکراتیک برای افراد دارای وضعیت اقتصادی بالا	قیح اجتماعی برای شغل‌های مربوط به دام-پروری، توجه به راحتی شغل، علاقه به شغل کشاورزی، اشتغال به کارهای فصلی و موقتی، تمایل به اشتغال در بخش بوروکراتیک	نگرش به فعالیت و شغل
تمرکز بر نیازهای آتی، ارزشمندی زندگی مقتصدانه، محرومیت نسبی نسبت به همسایه متمول‌تر، توجه به تجمیع و انباشت سرمایه	تلاش در جهت راضی کردن نفس، محرومیت نسبی نسبت به همسایه مصرف‌کننده‌تر، توجه به رفع نیازهای آتی و مصرفی، اتلاف سرمایه اقتصادی در مسیر غیر مولد، ارزشمندی زندگی غیر مقتصدانه	هنجارهای اقتصادی
علاقه به سرمایه‌گذاری، علاقه به توسعه شغل خود، نیاز به سرمایه بیشتر، نیاز به خرید اقلام سرمایه‌ای	علاقه به خرج کردن سود سرمایه و زحمت ندادن خود، علاقه به خرید اقلام مصرفی و لوکس	نیازها و علایق
داشتن فراغت کم، داشتن شغل تمام‌وقت، تلف نکردن وقت	داشتن فراغت زیاد، نداشتن شغل تمام‌وقت، تلف کردن وقت	گذران وقت

یافته‌های تحقیق

پس‌انداز

در این تحقیق منظور از پس‌انداز، کردار عاملان روستایی نسبت به میزانی از درآمد است که آن را خرج نمی‌کنند یا اموالی که با دید سرمایه‌گذاری برای کسب سود بیشتر در آینده از مصارف روزمره کنار می‌گذارند.

عاملان اجتماعی میدان روستایی در وضعیت اقتصادی پایین آن، به دلیل نداشتن سرمایه و درآمد کافی، امکان پس‌انداز را ندارند و یا اگر دارند، بسیار ناچیز است. این عاملان اجتماعی هرچند به صورت روشن نسبت به مزایای پس‌انداز واقف هستند، ولی سرمایه و درآمد ناکافی آن‌ها دایره امکان‌شان را در جهت پس‌انداز، محدود و عملاً ناممکن کرده و حتی آن‌ها را به سمت وسوی اتلاف سرمایه اندک خود سوق می‌دهد. این واقعیت در مورد تحصیل‌کرده‌های جامعه روستایی که برآمده از وضعیت اقتصادی پایین روستایی هستند و فعلاً درآمد چندانی ندارند، نیز صادق است. به عبارت دیگر، تحصیلات بالای این عاملان هرچند نوعی آگاهی نسبت به مزایای زندگی اقتصادی را به همراه دارد، ولی منطق عملی زندگی و شرایط حیات اقتصادی آن‌ها به گونه‌ای ایجاب می‌کند که نتوانند به سمت وسوی پس‌انداز کردن درآمد حرکت کنند. علاوه بر این، در میدان روستایی (در وضعیت اقتصادی پایین آن) پس‌انداز به عنوان پشتوانه‌ای از سر نیاز و اضطرار و برای آینده نامعلوم و نامطلوب در نظر گرفته می‌شود، که در آن فرد دیگر توان داشتن درآمد را نداشته و از این پس‌انداز برای زیستن و یا رفع مشکل احتمالی پیش‌آمده به علت مرضی یا ناتوانی و یا پیری استفاده کند. پیرزن روستایی دارای وضعیت اقتصادی پایین در این باره می‌گفت: «تجرب زندگی بهم می‌گه که نباید ولخرجی کنم؛ چون ممکنه فردا بهش نیاز داشته باشم. آدم برای مبادا باید پول نگه داره. نکنه نیاز داشته باشی و دستت به جایی نرسه».

اما عاملان دارای وضعیت اقتصادی متوسط میدان زندگی روستایی به علت وجود سرمایه اقتصادی و داشتن درآمد مکفی به صورت عملی در جهت پس‌انداز کردن درآمد و سرمایه خود گام برمی‌دارند؛ این افراد به علت دارا بودن مشاغل آزاد که درآمدی برای آن‌ها ایجاد کرده، می‌توانند علاوه بر مخارج عادی روزانه، بخشی از درآمد خود را پس‌انداز کنند. اما در افراد دارای وضعیت اقتصادی بالا در میدان روستایی، تمایز چندانی بین عاملان دارای سرمایه فرهنگی بالا و

افراد بی‌بهره از این سرمایه وجود ندارد؛ چراکه وجود سرمایه اقتصادی بالا به‌تنهایی سبب ایجاد نوعی عادت‌واره اقتصادی می‌شود و این عاملان را به سمت وسوی پس‌انداز کردن درآمد سوق می‌دهد. باوجوداین، برای این افراد سرمایه فرهنگی افراد نقش عامل شتاب‌دهنده حرکت به سوی مقتصدانه‌تر زندگی کردن را می‌تواند بازی کند. جوان روستایی دارای وضعیت اقتصادی بالا در این باره می‌گفت:

«من بیشتر علاقه دارم که ثروت بیشتری داشته باشم تا خوش‌گذران باشم. مثلاً برم تو کار ساخت‌وساز و با سرمایه‌ام پول ایجاد کنم، تا اینکه با خرید شاسی‌بلند سرمایه‌ام رو راکد نگه دارم».

روابط پولی و مالی

در این تحقیق منظور از روابط پولی و مالی، نحوه ارتباطات و عملکرد عاملان میدان روستایی در زمینه مسائل مربوط به خرید و فروش و چانه‌زنی و قیمت‌گذاری محصولاتشان است. در میدان روستایی غیر از کشاورزی شغل‌های دیگری نیز وجود دارند و فرض پیوند خوردن زندگی روستایی با کار کشاورزی فرض چندان درستی نیست. در واقع شغل کشاورزی در میدان روستایی در بسیاری موارد تنها یک منبع درآمد تکمیلی است. غیر از افراد دارای وضعیت اقتصادی بالای میدان روستایی که درصد ناچیزی را به خود اختصاص می‌دهند، مابقی عاملان این میدان درآمد چندانی از زمین کشاورزی به‌دست نمی‌آورند و عموماً این درآمد ناچیز با کارهای دیگری از قبیل دامداری، مغازه‌داری، کارگری و ... ترمیم می‌شود. فروش محصول کشاورزی این افراد نیز بسیار ناچیز است و حتی گاهی به‌علت بارش ناکافی و دیم بودن اغلب زمین‌های، افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی محصول نامرغوبی دارند که یا توسط دلال‌ها به بهای ناچیزی خریداری می‌شود و یا برای تأمین خوراک دام ذخیره می‌شود. پیرمرد روستایی دارای وضعیت اقتصادی پایین در این باره می‌گفت: «اگر محصول مرغوب نباشد و غیر از گندم علف هرز داشته و نامرغوب هم باشد، به‌صورت نصف قیمت می‌فروشیم یا برای دام‌ها انبار می‌کنیم. همین پارسال محصول نامرغوب بود، بخشی رو به (اسم می‌برد) فروختیم و بخشی رو انبار کردیم برای خوراک گوسفندها».

با این حال محصول کشاورزی ناچیز این عاملان دارای وضعیت اقتصادی پایین و متوسط میدان روستایی، اغلب توسط دولت خریداری می‌شود (یا همان‌گونه که بیان شد در مواردی هم به علت نامرغوب بودن محصول از یک طرف و نداشتن دامی که این محصول برای آن‌ها ذخیره شود، توسط دلالان با قیمت ناچیزی خریداری می‌شود) و آن‌هم به یک نرخ ثابت که برای آن‌ها چندان سودآور نیست، چراکه انحصار خرید محصول، انحصار تعیین قیمت را نیز با خود به همراه دارد و در این تعیین قیمت توان چانه‌زنی برای کشاورزان وجود ندارد. تنها نقطه مثبت این فروش برای کشاورزان دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی خرید تضمینی گندم و رسیدن به پولی ناچیز است که اطمینان دارند به دستشان می‌رسد.

این در حالی است که گله‌داران روستایی در این قیمت‌گذاری و چانه‌زنی از وضع بهتری نسبت به کشاورزان برخوردار هستند؛ چراکه قیمت محصول آن‌ها توسط نیاز بازار و همچنین قیمت سایر محصولاتی که خود هزینه می‌کنند و هزینه‌ای که صرف پرورش دام می‌شود، تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، برای تعیین قیمت گوشت که معیار تعیین قیمت محصول دامی است عوامل بسیاری (از قیمت نان و میوه و... گرفته تا خوراک دام و کرایه تاکسی و...) دخیل هستند، که زمان مواجهه چوب‌دار و گله‌دار به صورت مفروض آن‌ها را در قیمت‌گذاری بره دخیل می‌کنند.

فروش محصول دامی برای روستاییان گله‌دار غالباً در فصل بهار و به صورت محدودتر در فصل پاییز است. در این دو بازه زمانی هم محصول بره و هم گوسفندان مسنی که بایستی جایگزین شوند را به صورت یکجا به فروش می‌رسانند. غالب فروش به صورت یکجا است و دلیل این کار به دست آوردن عایدات مالی به صورت یک‌کاسه است که بتوان با آن سرمایه قابل توجه، مبادله‌های اقتصادی انجام داد. با این حال، روستاییان دامدار هم برای نگهداری تعداد بیشتر گوسفندان به علت کمبود جا و مکان در محیط روستا با مشکل مواجه هستند. علاوه بر این، روستاییان گله‌دار در زمان فروش محصول بره به علت کمبود جا و مکان برای نگهداری بیش از زمان مقرر که سبب ازدیاد هزینه‌ها می‌شود، بایستی سریع‌تر محصول بره خود را به فروش رسانند و به همین دلیل قدرت چانه‌زنی آن‌ها پایین می‌آید. علاوه بر این در مورد روستاییان گله‌دار به علت توانایی مالی کم و صرف هزینه‌های زیاد روزانه، همیشه به پول نقد نیاز دارند و

از این رو در طول سال و در زمان‌های غیر از فصل فروش و از سر نیاز به فروش تکی بره‌ها یا حتی گوسفندان نیز مبادرت می‌ورزند.

برخلاف تصور رایج از جامعه سنتی که جنس روابط در آن را از نوع صمیمانه و خودبه‌خودی و همراه با اعتماد بالا قلمداد می‌کنند، در میدان روستایی مورد مطالعه، نفوذ و گسترش روابط پولی و مالی بسیار چشمگیر بود، به طوری که روستاییان دامدار برای معاملات خود از چک و سفته برای تضمین بازپرداخت‌ها استفاده می‌کنند که البته این چک و سفته نقش شرط لازم را برای انجام معامله دارد. شرط کافی معامله آگاهی از دارایی طرف معامله و خوش‌نام بودن اوست. سلطه روابط پولی در بین کشاورزان روستایی نیز وجود دارد، با این تفاوت که آن‌ها محصول خود را با اطمینان بیشتری و البته با انحصار تعیین قیمت از طرف دولت به نماینده دولت می‌فروشند. در واقع اعتماد به طرف معامله در میدان زندگی روستایی به خاطر کم‌رنگ شدن روابط خویشاوندی نسبتاً اندک است و به همین دلیل هزینه معاملات زیاد است. گله‌دار روستایی:

«الان یا نقد معامله می‌کنیم یا سفته می‌گیریم، چک هم در صورتی می‌گیریم که بشناسیم و بدونیم که ریشه و دارایی داره، باید اعتبار داشته باشه، باید خوش‌نام هم باشه، اعتبارشون به دارایی است».

نگاه به تقدیر و سرنوشت

در این تحقیق منظور از نگاه به تقدیر و سرنوشت، نحوه مواجهه افراد با موضوعات کاری و شغلی و تغییر و تحولات آینده در آن است که آیا خود در رقم زدن آن نقش و عاملیتی دارند و یا محکوم به قبول قضا و قدر از پیش تعیین شده هستند.

بین عاملان میدان روستایی تفاوت چشمگیری در موضع‌گیری نسبت به تقدیر و سرنوشت وجود دارد. این تفاوت در نگرش و موضع‌گیری از وضعیت اقتصادی این عاملان اجتماعی نشئت می‌گیرد، به طوری که عاملان اجتماعی دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی به ادامه راه پدران خود با تغییرات ناچیز در زندگی نظر دارند و تغییر اساسی را در زندگی خود متصور نیستند. این عاملان با نگاه به گذشته خود و تجربه‌های مکرر ناشی از جایگاه اجتماعی‌شان را مصداقی از تغییرناپذیری وضعیت خود می‌دانند و بر این نظر هستند که مسیر

آن‌ها در زندگی برخلاف انتظار پیش نخواهد رفت و نباید انتظارات و توقعات بزرگی از آینده خود داشته باشند. بسیاری از این عوامل حتی توان تصور آرزویی غیرعملی و دسترس‌ناپذیر با شرایط کنونی خود را نداشته و با تصویری تیره‌وتار، به خیالی‌ترین جنبه ذهنی خود نگاه می‌کردند. جوان روستایی دارای وضعیت اقتصادی پایین در این باره می‌گفت:

«از وقتی یادم میاد همش کارگری کردم و تغییری هم تو زندگیم اتفاق نیفتاده. برای ماها که نه پدر چیزی بهمون داده و نه کسی رو داریم که کاری برامون انجام بده آینده‌ای وجود نداره».

در مورد افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالا، وضعیت به‌گونه‌ای دیگر است. این افراد به‌واسطه درآمد بالاتر، نقش بالاتری برای فعالیت و تلاش و کسب موفقیت بیشتر در آینده قائل هستند و آینده شغلی و مالی خود را بهتر و پررونق‌تر از وضعیت کنونی خود می‌دانند. جوان روستایی دارای وضعیت اقتصادی متوسط در این باره می‌گفت:

«من همین‌طور پیش برم آینده خیلی خوبی دارم. وضعیت مالی‌ام هم بهتر از امروز خواهد بود. آدم باید تلاش کنه. تا حالا با تلاش به چیزایی که خواستم رسیدم، از این به بعد هم خواهم رسید».

با این حال، وضع برای تحصیل‌کرده‌های روستایی به‌گونه‌ای دیگر بود و این افراد به‌واسطه سرمایه فرهنگی که از طریق نظام دانشگاهی کسب کرده بودند و همچنین به‌واسطه تأثیر و نفوذ ایدئولوژی نظام دانشگاهی مبتنی بر اینکه فرد با کار و تلاش شخصی خالق سرنوشت خود است، شکل می‌گیرد، دارای ایده‌ها و بلندپروازی‌های خاصی نسبت به آینده خود بودند. دختر روستایی دارای مدرک کارشناسی ارشد در این باره می‌گفت:

«کلاً دوست دارم کار کنم، خصوصاً کارهای کامپیوتری، از کار با کامپیوتر خیلی لذت می‌برم، دوست دارم کاری داشته باشم که یک خدمت به مردم باشه، چنین کاری بهم آرامش میده، چنین کاری از یک کار روتین که بخوام بدون علاقه انجامش بدم و استراحت زیادی داشته باشم خیلی بهتره. یک جورایی تفریح با کار یکی میشه برام. دارم تلاش می‌کنم که به چیزایی که می‌خوام برسم».

نگاه به فعالیت و شغل

منظور از نگاه به فعالیت و شغل در این تحقیق بررسی گرایش به کار و فعالیت و ترجیحات شغلی عاملان در میدان روستایی و علل تمایل افراد این میدان به این نوع از حرفه و فعالیت‌ها است. در افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی پرداختن شغلی مانند گله‌داری و کارهای مربوط به آن دارای قبح اجتماعی است، چراکه از نظر ارزش‌های کنونی حاکم بر زندگی روستایی همراه با زحمت زیاد و کار کثیف و فاقد آسایش و راحتی است. جوان روستایی دارای وضعیت اقتصادی پایین در این باره می‌گفت:

«زمین کشاورزی می‌خرم، زمین برای ساخت خونه هم بهتره، البته باید زیاد زمین بتونی بگیر، زمین زحمتش خیلی کمتره، اعتبار بیشتری داره، ولی گله‌داری شغل چندان مقبول نیست تو جامعه و زحمتش هم خیلی زیاده»؛ «کارمندی خیلی خوبه ولی اگر زمین زیاد داشته باشم، کشاورزی رو ترجیح میدم، ولی گله‌داری شغل خوبی نیست. مردم دید بدی بهش دارن، میگن فلانی چوپان هستش، ماها (روستایی‌ها) خیلی قد هستیم».

معتبرترین نوع شغل در میدان زندگی روستایی برای عاملان اجتماعی دارای وضعیت اقتصادی پایین اقتصادی، کشاورزی است که البته نه در مقیاس خرد، بلکه در سطح وسیع آن که سبب ایجاد درآمد بالا از یک طرف و فراهم‌کننده زمان استراحت طولانی از سوی دیگر شود. علاوه بر این، افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی از اشتغال در بخش بوروکراتیک نیز به عنوان یکی دیگر از شغل‌های مناسب به تکرار یاد می‌کنند و دلیل این موضوع نیز راحتی این شغل‌ها از یک سو و اطمینان از داشتن یک درآمد مستمر است. از سوی دیگر، افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای میدان روستایی علاوه بر معتبر دانستن شغل کشاورزی که درآمد بالا داشته باشد، به سایر مشاغل دیگر غیر از شغل‌های عنوان شده که دارای قبح اجتماعی هستند، به عنوان شغلی نگاه می‌کنند که با شرط درآمدزا بودن مطلوب است که به آن پرداخته شود. نکته جالب توجه در مورد عاملان دارای وضعیت اقتصادی متوسط روستایی که در کارهای فنی و آزاد مشغول به کار هستند، این است که غالباً خانواده پدری این افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی هستند و خود این افراد نیز به تبع شرایط و ارزش‌های دوران ماقبل خود، کار در دستگاه بوروکراتیک را شغل مطلوب در نظر می‌گرفتند، ولی به علت ناتوانی در ورود به ساختار بوروکراتیک و از سر اجبار وارد کار آزاد شده‌اند، ولی اکنون که شرایط

اجتماعی و درآمدی آن‌ها بهبود یافته و جایگاه اجتماعی خود را تغییر یافته می‌یابند، به‌جبار رنگ انتخاب داده و عنوان می‌کنند که از سرِ علاقه وارد این حرفه‌ها شده‌اند. ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که تمایز بین افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای میدان روستایی در ترجیحات شغلی در این است که افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط این میدان به شغل آزاد و یا حرفه خود (چون عموماً در مشاغل آزاد و فنی مشغول به کار هستند) گرایش بیشتری دارد تا افراد دارای وضعیت اقتصادی بالا. این افراد علاوه بر درآمد بالای شغل به پرستیژ و اعتبار شغل نیز نظر دارد و به همین دلیل درصد کسب شغل‌های موجود در ساختار بوروکراتیک هستند. تحصیل‌کرده‌های روستایی نیز وضعی متفاوت دارند. این عاملان اجتماعی به‌واسطه تربیت در یک دستگاه بوروکراتیک تمایل بسیار بیشتری برای ورود به ساختار تربیت دهنده خود دارند تا فعالیت به کار کشاورزی.

جوان روستایی دارای وضعیت اقتصادی متوسط در این باره می‌گفت:

«من از سال ۸۴ تا ۹۰ برای استخدامی شرکت می‌کردم ولی قبول نمی‌شدم. درسم هم خوب بود. معدل سال سوم دبیرستانم ۱۸ بود. حتی یک‌بار هم فقط یک امضا مونده بود که وارد نیروی انتظامی بشم، ولی چون پارتی نداشتم یک نفر دیگه رو به جای من رد کردند. بعدش برگشتم و وارد کار آزاد شدم. از اول هم باید دنبال کار آزاد می‌رفتم. چون علاقه داشتم. الانم برگردم دوباره وارد همین کارم میشم. چون کارم رو دوست دارم. بلام این کار رو».

هنجارهای اقتصادی

منظور از هنجارهای اقتصادی در این پژوهش بایدونبایدهای افراد در میدان روستایی در زمینه مسائل اقتصادی است که چه نوع عمل یا کردار اقتصادی در این میدان خوب و به‌هنجار و چه نوع عمل یا کردار اقتصادی نامطلوب و مضموم است.

هنجارهای اقتصادی در بین عاملان دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی به‌گونه‌ای است که اندک سرمایه‌ای که حتی اگر این عاملان بتوانند پس‌انداز کنند، صرف اموری می‌شود که هیچ عایدی اقتصادی نداشته و صرفاً رو به‌سوی راضی کردن نفس (خود) از لذت‌های در دسترس دارد. این افراد از میدان روستایی نیز دچار محرومیت نسبی هستند، ولی جنس این محرومیت قدری متفاوت است. محرومیت نسبی میدان روستایی محرومیت نسبت به میزان

هزینه‌های مصرفی اعم از خوراک و پوشاک و تفریح و خوش‌گذرانی و استراحت است. عامل روستایی دارای وضعیت اقتصادی پایین سعی دارد از همسایه و هم‌روستایی خود در مقوله‌های فوق (تا جایی که درآمدش به او اجازه می‌دهد) جا نماند و اگر درآمدی داشته باشد صرف چنین اموری می‌کند و اگر چیزی دست‌آخر برای او باقی ماند برای روز مبادا که از مریضی و ناتوانی و پیری رنج نکشد، پس‌انداز می‌شود نه برای افزایش سود اقتصادی. پیرمرد روستایی دارای وضعیت اقتصادی پایین در این باره می‌گفت: «نباید چشمت به خانه همسایه باشد. اگر داشته باشی و نداشته باشی بایستی بدنت و نفست در خوراک ازت راضی باشد. نباید از همسایه‌ات کم باشی». حتی اگر در بین این عوامل اجتماعی فردی به زندگی مقتصدانه روی آورد و از میزان هزینه‌هایی که برای خوراک و پوشاک و اقلام مصرفی و تجملی کاهش دهد با فشار اجتماعی و انگ‌های اجتماعی از قبیل: «کنس بودن و طمع‌کاری» روبه‌رو خواهد شد. ولی برای افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای میدان روستایی چنین اموری در اولویت بعدی و پس از کسب درآمد و پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای کسب سود جا دارد. سعی بیشتر این افراد تجمیع و انباشت سرمایه است تا صرف هزینه‌هایی که سبب اتلاف سرمایه آن‌ها شود.

جوان روستایی دارای وضعیت اقتصادی متوسط دارای شغل آزاد در این باره می‌گفت:

«الان تلاشم این هست که بتونم ۳ دانگ دیگه ماشین رو بخرم که با یکی دیگه شریک هستم.

بعد از اون اوضاعم یه خورده بهتر میشه و میتونم درآمد بیشتری به دست بیارم و سرمایه-

گذاری بیشتری بکنم».

درواقع داشتن و نداشتن سرمایه اقتصادی سبب ایجاد دو نوع متفاوت از ارزش در یک میدان از زندگی اجتماعی شده است. چنین تمایزهایی راه را بر کلی‌گویی و عام‌گرایی و یک‌دست‌سازی میدان‌های زندگی اجتماعی می‌بندد و این هشدار را به محقق می‌دهد که چشم را بر تمایزهای طبقاتی و گرایش‌های برآمده از این جایگاه‌های اجتماعی مختلف نبندد و از یک‌دست‌سازی متداول در حوزه اجتماعی که تجویزهای عام و یکنواختی برای میدان‌هایی که در درون خود تمایزهای بسیاری دارند، پرهیز کند.

نیازها و علایق

در این پژوهش در بررسی نیازها و علایق، پژوهشگر به دنبال بررسی این موضوع بوده است که در صورت داشتن سرمایه کافی عاملان میدان روستایی به دنبال رفع چه نیازهایی هستند و دنبال کردن چه علایقی را در زمینه هزینه کرد درآمد خود در سر می‌پروانند.

مردان دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی نیازها و علایق خود را عموماً در قالب زندگی در خانه‌های بزرگ‌تر، داشتن سرمایه مالی زیاد که بتوان آن را پس‌انداز کرد و سود آن را بدون هیچ زحمتی هزینه کنند و سپس داشتن ماشین و گوشی مدل بالا (برای جوانان روستایی) و خانه‌های بزرگ‌تر و بهتر عنوان می‌کنند. جوان روستایی دارای وضعیت اقتصادی پایین در این باره می‌گفت:

«الان نیاز دارم ماشینم رو عوض کنم، اگر خدا بخواد تا سال آینده پرایدم رو ۲۰۶ کنم».

اما مردان دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای این جامعه علاقه زیادی به انجام کارهای اقتصادی و علاقه به خرید زمین و خانه دارند. جوان روستایی دارای وضعیت اقتصادی پایین در این باره می‌گفت:

«این قدر فشار روی من هست که حتی نمی‌تونم به نیاز فکر کنم، من حتی یک شغل ساده هم ندارم. الان شغل نیاز اصلی‌ام هست».

در بحث نیازها نیز مردان و جوانان روستایی دارای وضعیت اقتصادی پایین نیاز خود به داشتن شغل ثابت عنوان می‌کنند اما افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای میدان روستایی نیاز خود را به داشتن سرمایه‌ای که بتوانند شغل خود را با آن توسعه دهند، ذکر می‌کنند.

گذراندن وقت

منظور از گذراندن وقت در این تحقیق بررسی میزان وقت فراغت و کار عاملان میدان روستایی و نحوه مواجهه این عاملان در رابطه با گذراندن اوقات خود است. در زمینه گذراندن وقت نیز مصاحبه‌ها حاکی از این است که روستاییان دارای وضعیت اقتصادی پایین، زمان بیکاری و فراغت زیادی دارند، ولی این زمان به صورتی نیست که بدان عنوان کاهلی اطلاق کرد، بلکه در صورت وجود کار روستاییان افراد تنبلی نیستند که تن به کار و فعالیت ندهند. عدم وجود کار و نداشتن درآمد کافی از شغل است که آن‌ها را به سمت وسوی عادت‌واره غیراقتصادی سوق داده

است. مصداق تأیید چنین مدعایی را می‌توان در همان میدان روستایی یافت که افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای جامعه روستایی هستند که عادت‌واره‌های کاملاً اقتصادی دارند. در واقع عاملان اجتماعی پایین میدان روستایی به علت نداشتن شغل تمام‌وقت و اشتغال در کارهای فصلی و کارگری وقت زیادی را در طول روز تلف می‌کنند، ولی عاملان دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای میدان روستایی به علت داشتن شغل تمام‌وقت مدام در حال تلاش و کوشش هستند. مرد روستایی دارای وضعیت اقتصادی بالا در این باره می‌گفت: «تفریح و فراغت یک روز، دو روز، یک هفته، یک ماه، آخرش خسته میشی. بهتره آدم به دنبال کار و کسب درآمد باشه و چیزی واسه آینده خودش و بچه هاش پس‌انداز کنه».

در واقع گرایش افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی به سمت‌وسوی اتلاف وقت است، ولی این گرایش ناشی از شرایط شغلی و درآمدی اوست. چراکه این عاملان به‌صورت مشخص عنوان می‌کنند که اگر درآمد زیادی داشته باشند کار نمی‌کنند و از سود پولشان زندگی را اداره می‌گذرانند و خوش‌گذرانی می‌کنند، ولی آن‌گونه که مشخص است در صورت داشتن شغل و درآمد این افراد نیز وقتی برای تلف کردن نخواهند داشت و به کار و فعالیت خواهند پرداخت. با این حال، گفته‌های ناشی از وضعیت کنونی آن‌ها به سمت‌وسویی جز اتلاف وقت و خوش‌گذرانی راهی ندارد. مشارکت‌کننده شماره ۲۱: «آدم استراحت داشته باشه خوبه، نباید خودتو به زحمت بندازی. دنیا مردن است، هیچ ارزشی داره».

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش بر این بوده است که نحوه تصمیم‌گیری روستاییان در امور اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. فرض اصلی پژوهش این بوده که اعمال اقتصادی روستاییان منشعب از عادت‌واره آن‌ها است که بر مبنای انتخاب آگاهانه و از پیش طراحی شده قابل توضیح نیست، بلکه باید به دنبال اعمالی بود که به‌صورت ملکه ذهن، بدون نیاز به تأمل و تکلف، از عاملان اجتماعی روستایی در موضوعات اقتصادی سر می‌زند.

بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان این‌گونه استنباط کرد که ساخت عادت‌واره اقتصادی در میدان روستایی یک‌دست نیست و نمی‌توان نسخه‌ای واحد در مورد عادت‌واره روستاییان پیچید؛ بلکه ساخت عادت‌واره در میدان روستایی تابعی از جایگاهی است که فرد به‌واسطه

حجم و ترکیب سرمایه‌هایش در میدان روستایی دارد و بر اساس آن جایگاه، عادت‌واره مشخصی را کسب کرده است. در واقع می‌توان هم‌راستا با بوردیو این‌گونه بیان کرد که تفاوت در جایگاه‌های اجتماعی، تفاوت در سلیق و عادت‌واره‌ها را به وجود آورده است و در این میدان به ازای هر سطح از جایگاه‌ها، سطحی از عادت‌واره‌ها (یا سلیق) وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آید. بر این اساس می‌توان یافته‌های این تحقیق را همسو با پژوهش‌های بوردیو در زمینه عادت‌واره و میدان در تمایز و به‌خصوص پژوهش او در زمینه ساخت عادت‌واره اقتصادی: باز-ارزیابی کارگران الجزایری (۲۰۰۰) در نظر گرفت.

با این حال، در میدان مذکور این وضعیت اقتصادی است که تأثیرگذاری بیشتر در تعیین جایگاه فرد میدان دارد. بر این اساس در میدان روستایی مورد مطالعه می‌توان شاهد ۳ نوع عادت‌واره اقتصادی بود که شامل: عادت‌واره اقتصادی افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین، متوسط و بالا است؛ البته عادت‌واره اقتصادی عاملان دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالا شباهت بسیاری با یکدیگر و تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای با عادت‌واره اقتصادی عاملان اجتماعی دارای وضعیت اقتصادی پایین دارد.

روستاییان دارای وضعیت اقتصادی پایین از تمامی داشته‌ها و امکانات خود برای به‌دست آوردن رفاه و بهره‌مندی از امکانات مادی که نهایتاً به آسایش و راحتی جسم منجر شود، استفاده می‌برند. افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین جامعه روستایی دارای عادت‌واره غیرمقتصدانه هستند، چراکه این افراد در موقعیت کنونی خود تمایل به داشتن راحتی و آسایش را ترجیح می‌دهند تا درآمد زیادتر به شرط زحمت و تلاش بیشتر. عاملان اجتماعی این دارای وضعیت اقتصادی در جایگاه کنونی خود در میدان روستایی راحتی تن و برآوردن نیازهای کوتاه‌مدت را به کار و تلاش و به تعویق انداختن نیازهای کوتاه‌مدت و مصرفی و پس‌انداز درآمد اندک خود ترجیح می‌دهند. بخش اعظم یا به‌نوعی تمامی درآمد این افراد (چون درآمد بالایی ندارند) صرف اقلام مصرفی و خورد و خوراک و پوشاک می‌شود و اگر هم درآمد اضافی‌ای هم داشته باشند نه برای سرمایه‌گذاری اقتصادی بلکه صرف هزینه تجملی می‌شود.

افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای جامعه روستایی دارای عادت‌واره اقتصادی-تری نسبت به افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی دارند. این افراد نیز مانند افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی رو به سوی رفاه دارند، ولی در این مسیر و

برای رسیدن به آن غیر از شغل‌های پست روستایی که حتی افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین میدان روستایی نیز با اکراه و از سر اجبار زندگی به آن می‌پردازند، به کارهای مختلف که کسب درآمد کند و سبب افزایش سرمایه شود، می‌پردازند، حتی اگر این کار و شغل سبب به زحمت افتادن و باقی نماندن وقتی برای برآوردن فراغت و خوش‌گذاری و زندگی مصرفی باشد. لازم به ذکر است که عمومیت میدان روستایی را افراد دارای وضعیت اقتصادی پایینی تشکیل می‌دهند که دارای عادت‌واره غیرمقتصدانه هستند و افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای این میدان به علت عدم تبعیت صددرصدی از قاعده «پولت را خرج رضایت نفس خود کن، زندگی این قدر ارزش ندارد که خودت را به آب‌و‌آتش بزنی، معلوم نیست چه زمانی بمیریم پس تا زنده‌ایم خوش بگذران»، به نوعی منحرفان میدان هستند و عادت‌واره مقتصدانه‌ای دارند.

تحصیل کرده‌های با خاستگاه اجتماعی پایین هم به دنبال شغل و فعالیتی هستند که بتوانند درآمد مناسبی داشته باشند و از کار تمام‌وقت ابایی ندارند و حتی کار و فعالیت تمام‌وقت در طول سال را خوشایند می‌پندارند، ولی مانند پدران و مادران خود و صرفاً داشتن سرمایه فرهنگی که پشتوانه اقتصادی ندارد، روی به سوی زندگی مصرفی، تجملی و صرف پول خود برای رضایت نفس خود در کوتاه‌مدت دارند و دارای عادت‌واره غیرمقتصدانه هستند؛ درحالی‌که تحصیل کرده‌ها و حتی بی‌سوادان با خاستگاه اقتصادی بالا، به واسطه تربیت ضمنی و عادت‌واره‌ای که دارند، مانند والدین خود بسیار مقتصدانه رفتار می‌کنند و حتی اگر رفاه را طلب می‌کنند، به واسطه کسب درآمد زیاد و کار و تلاش بسیار برای کسب پول به آن چشم دارند و به همین دلیل می‌توان گفت که دارای عادت‌واره مقتصدانه‌ای هستند و در این راه هزینه‌های مصرفی خود را کاهش داده و به دنبال سرمایه‌گذاری هستند.

به‌عنوان یک پیشنهاد سیاستی برای میدان روستایی می‌توان تمرکز را بر افزایش سرمایه اقتصادی افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین این میدان قرار داد، تا بدین وسیله عاملان اجتماعی بتوانند از عادت‌واره افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین جامعه روستایی دور شده و عادت‌واره اقتصادی عاملان افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالای این میدان را در پیش گیرند. این افزایش سرمایه اقتصادی پیش شرط به وجود آمدن هنجارهای هم‌راستا با عادت‌واره مقتصدانه در این میدان است. پیگیری این سیاست می‌تواند سبب اجتناب از اتلاف درآمد و انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری مجدد آن شود.

سرمایه‌گذاری در آموزش و سرمایه فرهنگی نیز می‌تواند در درازمدت تأثیرات مثبتی برای سوق دادن این عوامل در گرایش هر چه بیشتر به کار و تلاش فردی و سرمایه‌گذاری برای آینده درازمدت‌تر داشته باشد.

از دیگر پیشنهادها سیاستی در زمینه این است که در این میدان آموزش و ایجاد مشاغل فنی و حرفه‌های آزاد برای عوامل اجتماعی دارای وضعیت اقتصادی پایین در دستور کار قرار گیرد. در واقع به واسطه ورود عوامل دارای وضعیت اقتصادی متوسط به این حرفه‌های تخصصی و فنی بود که توانستند از وضعیت اقتصادی اجتماعی والدین خود جدا شده و درآمد بالاتری را به دست آورده و به‌طور کلی جایگاه اجتماعی و عادت‌واره جدیدی را به دست آورند.

منابع

اسکندری، رضا (۱۳۹۳)، دانشگاه به‌مثابه میدان: مطالعه‌ای کیفی پیرامون روابط، گفتمان و دلالت‌های دانشگاه با رویکرد بوردیوی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.

انوری، سید علیرضا؛ مظلوم خراسانی، محمد و محسن نوغانی دخت‌بهمنی (۱۳۹۷)، تحلیل رابطه عاملیت کنشگر ساختار در فرهنگ کسب‌وکار دانش‌بنیان با عادت‌واره بوردیو، مجله مطالعات و فرهنگ، دوره بیستم، شماره ۴۵: ۱۵۳-۱۷۷.

بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۴). نظریه کنش دلایل عملی انتخاب عقلانی، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.

پژمان‌فر، صبا؛ ذاکری، احمد؛ نبوی، سید حسین (۱۳۹۷)، تحلیل بوردیوی میدان تولید ادبی شاهنامه و عادت‌واره فردوسی، پژوهش‌نامه ادب فارسی، دوره شانزدهم، شماره ۱، پیاپی ۲۹: ۱۰۱-۱۲۴.

تقدیسی، احمد؛ احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (۱۳۹۱)، مهاجرت و سالخوردگی جمعیت روستایی ایران: چالشی فراروی توسعه پایدار روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره بیست و هفتم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۳۴: ۱۰۴-۱۶۴.

تجویدی، غلامرضا؛ معاذاللهی، پروانه (۱۳۹۵)، تأثیر تحولات میدان نشر بر عادت‌واره مترجمان ادبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۵، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، دوره شماره ۳: ۸۳-۱۰۴.

جانب‌اللهی، محمد سعید (۱۳۹۱)، زیست اقتصادی عشایر؛ مطالعه موردی عشایر هداوند، فرهنگ مردم ایران، دوره پانزدهم، شماره‌های ۲۸ و ۲۹: ۱۶۹-۱۹۰.

قربانی، خاور؛ خضری، آرزو (۱۳۹۱)، تأثیرات عادت‌واره‌های اجتماعی در شکل‌گیری تشبیهات حسن غزنوی، مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)، دوره اول، شماره ۳۰: ۱-۲۰.

گنجی، محمد؛ حیدریان، امین (۱۳۹۳)، سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ: با تأکید بر نظریه‌های پی‌یر بوردیو دیوید تراسی، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۲: ۷۷-۹۷.

محمدی، فردین؛ محمدپناه، امیرحسین (۱۳۹۷)، تحلیل کیفی شرایط، وضعیت و پیامدهای عادت‌واره آموزشی عواملان اجتماعی میدان تولید آموزش (مطالعه موردی معلمان دوره متوسطه دوم شهر مشهد)، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۶، شماره ۱: ۳۵-۵۴.

محمدی، فردین؛ نوغانی دخت بهمنی، محسن؛ کرمانی، مهدی و کمال خالقی‌پناه (۱۳۹۸)، سیر نزولی عادت‌واره نهادی معلمان (مطالعه موردی معلمان دوره متوسطه دوم شهر مشهد)، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ششم، شماره ۱۳: ۹-۳۸.

مقیم اسفندآبادی، حسن؛ معینی، سیدرضا (۱۳۹۸)، واکاوی جامعه‌شناختی چالش‌های بیرونی خلق ارزش اجتماعی رهبران کارآفرینی اجتماعی با رویکرد عادت‌واره بوردیو، توسعه کارآفرینی، دوره دوازدهم، شماره ۴: ۵۸۱-۶۰۰.

نصرتی، روح‌الله (۱۳۹۵)، مطالعه انسان‌شناختی بحران‌های اقتصاد سنتی در گذار به موقعیت جدید: مطالعه موردی بازار سنتی تهران، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲: ۲۶۷-۲۸۶.

Bourdieu Pierre (2000) .Making The Economic Habitus Algerian Workers Revisited, *Ethnography*, Vol 1 (1). 17-41.

Bourdieu, Pierre (2005) .*The Social Structures Of The Economy*, First Published In 2005 By Polity Press.

Fraysse, Mélie & Mennesson, Christine (2016) .Professional Habitus And Theconstruction Of Gender: Thecase Of Male Journalists For Sports Magazines In France, *Journal Of Sport And Social Issues*, vol. 40(5) 387– 409.

HAYES, AS (2020) .The Behavioral Economics Of Pierre Bourdieu. *Sociological Theory*,38(1):16-35

Zelizer, Viviana A. (2011) .*Economic Lives: How Culture Shapes The Economy*, Princeton University Press.